

یادداشت

چرامهدی طارمی در بازی آخر ندرخشید؟  
قربانی تاکتیکی

افشین خماند  
گروه ورزش

مهدی طارمی در بازی اول مقابل انگلستان، ویژه ترین چهره تیم ملی ایران بود. او دو گل زد و در موقعیت های دیگر هم عملکردی کاملاً ستودنی داشت. به ویژه گل اول او نمایشگر نبوغ تراش خورده او بود که با جاگیری در موقعیت بسیار مناسب و ضربه زدن در بهترین زمان ممکن یک گل تماشایی را به ثمر رساند. مهدی اما در دو بازی بعدی یعنی مقابل ولز و آمریکا نتوانست آن درخشش لازم را داشته باشد، به ویژه در آخرین بازی مهدی یکی از بدترین نمایش های خود را در چند سال اخیر داشت، چرا؟

آسان ترین و سراسرست ترین پاسخ به این سوال این است که بدانیم چه فرقی بین پست طارمی در بازی اول و بازی های بعدی وجود داشت؟ مهدی برابر انگلستان در پستی بازی می کرد که در پورتو هم می درخشید، او مهاجم کامل بود. یعنی او این فرصت را داشت که در محوطه جریمه، دو هنر اصلی خود یعنی جاگیری و ضربه زنی را به نمایش بگذارد. در بازی های بعدی با اضافه شدن سردار آزمون به ترکیب، مهدی از محوطه جریمه دور شد. او در بهترین حالت دیگر مهاجم کاذب بود. این باعث می شد که او مجبور باشد دوندگی بیشتری داشته باشد و همین باعث خستگی اش شود. مهدی مجبور به یارگیری بود و این کاری بود که خیلی هم خوب بلد نبود. یکی از مشکلات تیم ملی ایران بعد از این و در همین نکته است. فوتبال ایران فقط همین دو مهاجم خوب و توانا را دارد و مهم ایجاد تعادل است میان سردار آزمون و مهدی طارمی؛ دو بازیکنی که هر دو از بهترین مهاجمان قاره آسیا محسوب می شوند، هر دو در باشگاه های اروپا بازی می کنند و هر دو اکنون در اوج تجربه و توانایی قرار دارند. وظیفه سرمربی تیم ملی این است که سیستمی را در تیم ملی حاکم کند که بتواند از توانایی های دو بازیکن به بهترین شکل ممکن استفاده کند.

البته در جام ملت های آسیا که تیم به نسبت جام جهانی باید هجومی تر بازی کند، شاید این مساله راحت تر به جواب برسد اما این که مهدی طارمی در دو بازی آخر تیم ملی قربانی تاکتیک تیمی شد و نتوانست آن طور که باید و شاید هنر خود را به نمایش بگذارد. حسرت و افسوس ماجرا وقتی بیشتر می شود که ما برای صعود به مرحله دوم جام جهانی فقط به یک گل نیاز داشتیم و امید اول گلزنی ما داشت خودش را میان خطوط برای گرفتن هافبک های حریف خسته می کرد.



رضا جباری از لزوم تغییر تاکتیک

# فرمول کی روش د

کی روش که ماندنی است. دغدغه جدی من به سبک بازی تیم های کی روش برمی گردد. هر مربی دیگری اگر جای کی روش بود و بعد از این همه سال نتیجه لازم را نمی گرفت می رفت و پشت سرش را هم نگاه نمی کرد.

من به کی روش می گویم برو و پشت سرت را هم نگاه نکن یا این که سبک بازی تیمت را تغییر بده. کی روش انگار مهره مار دارد که اینطور حمایت می شود. تیم ما سه دوره با او در جام جهانی نتیجه نگرفت و بدترین نتایج در زمان او رقم خورد. جام ملت های قبلی هم که هیچ چیزی با او به دست نیاوردیم.

برای او احترام زیادی قائلم اما تاکتیک او مشکل دارد. از طرف دیگر ما نمی توانیم ابتدا سرمربی انتخاب کنیم بعد او بیاید برای ما تعیین تکلیف کند. در واقع فدراسیون باید برنامه بدهد تا مربی بر اساس آن عمل کند.

اما می رسمیم به دیدار با آمریکا. کاملاً تدافعی و کنترل شده به میدان رفتیم و آسیب سختی خوردیم. دقیقاً از جایی آسیب دیدیم که در جام های جهانی قبل و جام ملت های آسیا هم تجربه کرده بودیم.

این شکست دلایل دیگری نداشت؟ موضوع تا حدودی هم به عدم شجاعت برمی گردد و نکته آمریکایی تیمی نیست که ما را ببرد. ما ۱۰ دقیقه پایانی خیلی خوب بازی کردیم و من تعجب می کنم چرا از اول این کار را نکردیم. چرا نمی توانستیم از همان ابتدای بازی آمریکایی ها را تحت فشار بگذاریم؟

ما به خاطر یک صحنه مشکوک در این دیدار تا آخر بازی به پر و پای داور پیچیدیم. این اصلاً درست نبود. و حالا ما یک جام ملت ها را در پیش داریم. با این اوصاف چشم انداز شما چیست؟

تیم ملی فوتبال ایران روی لبه صعود حرکت می کرد اما در نهایت به سلامت نگذشت و حذف شد. این صعود می توانست راحت تر از هر زمانی باشد اما نشد و آنچه باقی ماند یک دنیا حسرت بود. رضا جباری، کارشناس فوتبال و بازیکن اسبق سرخ های پایتخت آن چه در جام جهانی برای ایران رقم خورد را نقد می کند.

ابتدا از ارزیابی خود بابت شکست ایران مقابل آمریکا و حذف از جام جهانی بگوئید. در سال هایی که کی روش در فوتبال ایران حضور داشت من همیشه به دلیل سبک دفاعی و ضد حملات تاکتیک او نقدهایی داشتم. این مشکل در جام جهانی قطر بیشتر از هر جایی مقابل انگلیس به چشم آمد. مقابل ولز هم چون چیزی برای از دست دادن نداشتیم عالی بازی

هیلا حاسینی خواه  
گروه ورزش